

در امتداد روشنائی

تکرار عاشقی

هنوز هم عشق و عاشقی زنده است. هنوز داستان های لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد و ویس و رامین در گذر زمان تکرار می شود. من نمونه بارز این عشق و عاشقی ها را در زندگی دختر و دامادم یافتیم چرا که ...

این ها بخشی از اظهارات پیرزن ۷۰ ساله ای است که در عزای دخترش سیاه پوش شده بود. او که با هر بار یادآوری نام دخترش اشک می ریخت و از دامادش به نیکی یاد می کرد، در باره ماجرای تلخ مرگ دخترش به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: روزی که «قادر» به خواستگاری دخترم آمدا و را جوانی نجیب و موقر یافتیم اما هیچ گاه به ذهنم نمی رسید که تا این اندازه «مرد» باشد. او انسانیت و عاشقی را معنا کرد و نمونه ای عینی از گذشت و فداکاری را به نمایش گذاشت. درست ۱۰ سال قبل بود که با یک جمله پزشک معالج، روح روان دخترم به هم ریخت و زندگی اش زیر و رو شد. آن زمان هنوز ۳۲ بهار بیشتر از عمر دخترم نگذشته بود که آزمایش ها و معاینات پزشکی بیماری سرطان دخترم را مشخص کرد. از آن روز به بعد، جگرم خون شد و برای سلامتی دخترم دست به دعا برداشتم.

خلاصه، انجام عمل جراحی قطع ریشه های غده سرطانی آغاز شد و امور پزشکی به شیمی درمانی کشید. به خاطر این که وضعیت جسمانی دخترم خیلی خوب بود، مسیر بهبودی را طوری طی کرد که همه ما امیدوار شدیم او کاملا بهبود یافته است اما با گذشت دو سال از این ماجرا، دوباره غده سرطانی سر برآورد و رشد کرد. دخترم بعد از انجام هر مرحله از شیمی درمانی ضعیف و ضعیف تر می شد و من با نگاه کردن به پیکر او زجر می کشیدم اما نمی خواستم اشک هایم را ببیند. در این میان آن چه از عشق همسرش می دیدم بر ایمن باور کردنی نبود. «قادر» همانند پروانه ای بال سوخته دور دخترم می چرخید و دست نوازش بر سرش می کشید. او حتی کار و زندگی اش را رها کرد و با همه وجود در کنار دخترم ماند تا او بهبودی کاملش را باز یابد. «قادر» از انجام هیچ کاری برای درمان همسرش دریغ نمی کرد. با وجود این، غده سرطانی دست بردار نبود و هر روز در وجود دخترم ریشه می دواند تا این که دو ماه قبل وضعیت جسمانی او رو به وخامت گذاشت و دامادم به خاطر شیوع بیماری کرونا، او را در یک مرکز درمانی خصوصی بستری کرد. دخترم که می دانست دیگر روزهای آخر عمرش را می گذراند، با التماس از همسرش خواست او را به خانه بازگرداند و در نهایت نیز، روزی دخترم وقتی غذايش را خورد، از همسرش حلا لیت طلبید و با نگاه کردن به چشمان اشکبار قادر جان سپرد. در این میان، من داستانم را بلند کردم و برای خوشبختی دامادم سر به سجده نهادم چرا که او ۱۰ سال از دختر بیمار پرستاری کرد ولی هیچ گاه گلايه اش رانشیدم و ...

ماجرای واقعی به همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



متهم به قتل مسلحانه

در حالی ادامه دارد که از موتور سیکلت مقتول خبری نیست! شایان ذکر است خبر این جنایت، پنجشنبه گذشته در صفحه حوادث خراسان با تیتر «راز دست نوشته مرموز!» به چاپ رسید.

زن مقتول راز دست نوشته مرموز را فاش کرد

پاچین خونین زیر تک درخت!

سلول های خاکستری ذهن می سپرد، دستور دستگیری وی را صادر کرد و بدین ترتیب چند دقیقه بعد با اعتراف زن جوان، مجرای قتل مسلحانه لورفت. این زن ۳۲ ساله که فرزندی ۱۴ ساله نیز دارد، در بازجویی ها گفت: با «جلال» هم محله ای بودیم و از سال ها قبل آشنا بودم، اما از دو سال قبل ارتباط پیامکی و تلفنی داشتم تا این که به او گفتم قرار است «شنبه» (هفته گذشته) با همسرم بیرون برویم و پاچین کباب کنیم! او هم به محل آمد و همسرم را با شلیک گلوله کشت، سپس جسد را با پراید جلال به محل دفن بردیم و بادر قابلمه روی آن خاک ریختیم.

را در یک درگیری کشته و در جاده فرعی بیابان های اطراف محور مشهد – کلات دفن کرده اند. همسر مقتول با دیدن این نامه که لای در حیاط منزل مادر وی گذاشته شده بود، به همراه مادرش و با تاکسی تلفنی به محل اعلام شده رفتند و جسد را در حالی پیدا کردند که قسمتی از پاها و سر مقتول بیرون بود. گزارش خراسان حاکی است، گروه ویژه کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ نجفی، به خونسردی همسر مقتول در صحنه کشف جسد مشکوک شدند و در حالی که قاضی کاظم میرزایی رفتارهای غیرمتعارف زن مقتول را به

سجاد پور – با دستگیری عامل جنایت مسلحانه در مشهد، مشخص شد که زن مقتول ۴۰ ساله در این جنایت هولناک نقش دارد و با نوشتن یک نامه، محل دفن جسد در بیابان های جاده کلات را لو داده است.

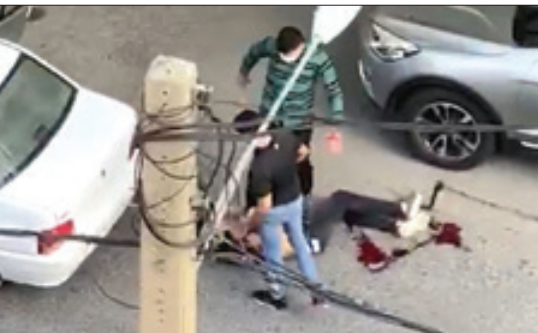
به گزارش خراسان، به دنبال کشف جسد دفن شده مرد ۴۰ ساله ای در بیابان های ۱۰ کیلومتری جاده مشهد – کلات، تحقیقات گسترده ای با دستور قاضی ویژه قتل عمد مشهد در حالی آغاز شد که سر نخ ها به یک دست نوشته مرتبط می شد. در آن دست نوشته که به دست برادر مقتول رسید چنین مطرح شده بود که پسر شما

شلیک های تگزاسی

در سعادت آباد

۶ جوان سابقه دار در تهران بر سر یک دختر

با تفنگ به جان هم افتادند



شش فرد دخیل در درگیری سعادت آباد شناسایی و تاکنون سه نفر از عاملان اصلی این درگیری دستگیر شده اند و تلاش برای دستگیری سه نفر دیگر ادامه دارد. جانشین فرمانده انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد: متأسفانه تمام افراد حاضر در درگیری اخیر سوابق کیفری دارند و در سال های گذشته نیز با همدیگر دعوا داشته اند و در تاریخ فوق نیز در منطقه مذکور قرار دعوا گذاشته بودند. وی با بیان این مطلب که پلیس اجازه نمی دهد اراذل و اوباش امنیت و آرامش مردم را به خطر بیندازند، از شناسایی تمام عوامل دخیل در درگیری مسلحانه در سعادت آباد خبر داد.

مرداد ماه سهراب به جشن تولد خشایار در منطقه قشم می رود اما وقتی وارد جشن تولد می شود دختر مورد علاقه اش را با خشایار مشاهده می کند و همین موضوع باعث درگیری بین آن ها می شود. سهراب پس از این ماجرا برای انتقام گیری با خشایار در منطقه سعادت آباد قرار دعوا می گذارد و هر دو وقتی در صحنه حضور می یابند با اسلحه کلت کمری به سمت یکدیگر تیراندازی می کنند که هر دو مصدوم و به بیمارستان منتقل می شوند. بنابراین گزارش، شنیده ها حاکی از آن است که دختر جوان در این درگیری هدف ضربه قمه سهراب قرار گرفته است. سردار هداوند نیز اعلام کرد: هر

حضور داشته نیز هدف گلوله قرار گرفته و در یک بیمارستان دیگر تحت درمان قرار دارد که مأموران به سرعت به محل اعزام شدند و خشایار را شناسایی کردند. مأموران در تحقیقات میدانی و اطلاعاتی پی بردند سهراب و خشایار از افراد شرور و سابقه دار هستند که بارها به خاطر درگیری روانه زندان شده اند.

■ جزئیات تسویه حساب مسلحانه به خاطر یک دختر

مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب در تحقیقات متوجه شدند که سهراب و خشایار از دوستان قدیمی هستند و روز دوشنبه ۶

خبری مبنی بر درگیری مسلحانه در سعادت آباد به مأموران پلیس تهران اعلام شد. به گزارش رکتنا، جانشین فرمانده انتظامی تهران بزرگ تصریح کرد: با حضور مأموران در محل و بررسی اولیه مشخص شد دو گروه از اراذل و اوباش با دو دستگاه خودروی سوناتا و جک مشکی با سلاح گرم در محدوده فوق درگیر شده و اقدام به تیراندازی کرده اند. وی گفت: در پی درگیری مسلحانه اراذل و اوباش دو نفر مصدوم شدند که اراذل یکی را با خود بردند و دیگری در بیمارستان تحت درمان است. مأموران در تحقیقات اطلاع یافتند خشایار ۳۴ ساله که در خودروی جک مشکی رنگ

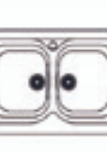
درگیری مسلحانه چند تنه کار سابقه دار به خاطر یک دختر موجب برهم خوردن امنیت و آرامش در منطقه سعادت آباد شد. سهراب که به جشن تولد دوست قدیمی اش خشایار دعوت شده بود، تاب دیدن دختر مورد علاقه اش را در کنار او نداشت و با او قرار دعوا گذاشت. در این قرار خونین که شش نفر حضور داشتند، طرف ها با یکدیگر درگیر شدند و به سوی هم تیراندازی کردند که دو نفر زخمی شدند. سردار حمید هداوند درباره فیلم منتشر شده در فضای مجازی و جزئیات درگیری و تیراندازی در منطقه سعادت آباد تهران اظهار کرد: در ساعت ۱۸ هفتم مرداد

طرح سپاس

اقساط ۳۶ ماهه تا

میلیون تومان

کارمندان نیازی به ضامن ندارند



۳۸۴۴۴۰۰۰

شعبه معلم: بین معلم ۱۶ و ۱۸ و ۱۲ شعبه دیگر

شعبه مرکزی: بین سناباد ۴۵ و ۴۷